

سه روایت از دخترانی که برای قهرمان شدن می‌جنگند؛

گاهی محرومیت، محدودیت نمی‌آورد



ریحانه جولا بی

نیمه زمستان است، اما اینجا در جنوبی‌ترین نقطه کرمان، هوا هوای بهار است. سبزه‌ها، تازه سر از دل زمین بیرون آورده‌اند و شبیه فرش مخمل سبز همه‌جا را پوشانده‌اند. در این منطقه نخل‌ها برای حیات می‌جنگند، مثل انسان‌ها، آن‌هایی که جایشان بهتر است و به آب نزدیک‌تر هستند بارور و بلند کنار هم قد کشیده و به آسمان رسیده‌اند، اما کمی آن طرف‌تر، آن‌هایی که از آب دورند، بی‌سر، خشک و زرد، سر خم کرده و روی زمین افتاده‌اند. داستان زندگی مردم هم در «قلعه گنج» کم از حکایت نخل‌ها ندارد. هر چه دور تر محروم‌تر، هر چه محروم‌تر نزدیک‌تر.

ابتدا بهتر است بگویم در این گزارش قرار نیست چندخطی از رنج مردم نوشته شود. قرار نیست کمبودها را پررنگ‌تر کنیم. این گزارش می‌خواهد چندخطی از امید بگوید؛ امیدی که از محرومیت بیرون آمده است و این یعنی زندگی کردن. این گزارش داستان جنگیدن زنان و دختران کرمانی است. داستان بیرون آمدن از سختگیری‌های خانواده‌ها و جامعه سنتی که دختر و زن را درون خانه می‌خواهند. داستان تلاش برای موفقیت و بی‌اعتنایی به فقر. داستان موفقیت چند دختر جوان بلوچ و بندری که با حمایت‌های سازمان مستضعفان توانسته‌اند مدال‌های طلایی و نقره‌ای‌شان را به دیوار اتاقشان بکوبند و هر روز با نگاه کرندش به خودشان ببالند.

یک روز می‌آید که دنیا، تارا را بشناسد

خانه تارا اهرامی‌زاده (باغ‌باز) بیرون قلعه گنج است. باید از شهر حدود ۳۰ دقیقه بیرون بباییم تا وارد یک جاده خاکی شویم. کمی بعد که جاده خاکی را طی کردیم از دور چراغ‌های کم‌سو خانه پیدای می‌شود. منظور ما از خانه دو اتاقک ۱۲ متری است و یک کپر که

با برگ‌های نخل ساخته شده است. اینجا همان جایی است که خانواده تارا و عمویش زندگی می‌کنند. خانه‌ای که تنها یک تلویزیون، چند قاب عکس رنگ و رو رفته و چند پشنتی قوز کرده تمام زندگی تارا و خانواده‌اش به حساب می‌آید.

اولین دیدار من و تارا اما در این خانه نبود. بار اول که تارا را دیدم بلوز و شلوار سفید تکیه‌اندو تنش بود. مقنعه سفیدی به سر داشت که رنگ سبزه صورتش را تندتر نشان می‌داد و ما برمی‌اش مشغول تمرین بود. با پای‌های نحیف و کشیده‌اش پشت‌م‌ضربه می‌زد و لبخند خودش و مری چیزی جز رضایت‌نشان نمی‌داد.

ملاقات من با نخبه تکیه‌اندو قلعه گنج از پیش برنامهریزی شده بود؛ بعد از تمرین تارا آمد، باهمان لبخندی که تمام دو ساعت حضورم در سالن روی لبش بود. باهم حرف زدیم و تارا برآیم گفت که ۱۳ ساله است، باین حال همه او را یکی از با استعدادترین دختران ورزشکار قلعه گنج می‌شناسند.

ورزش‌های رزمی در قلعه گنج طرفدار زیادی دارد. البته اینجا برای دختران جز کاراته و تکیه‌اندو و ووشو ورزش دیگری هم وجود ندارد و حالا همین چند ورزش محدود در این ۳ سال تمام زندگی تارا شده است. علاقه تارا به تکیه‌اندو از تلویزیون شده؛ اما آن زمان قلعه گنج سالنی برای ورزش نداشت و اصلاً مری هم نبود تا تارا بتواند ورزش را شروع کند. باین حال کمی بعدتر از طریق دختردایی‌اش متوجه می‌شود که به تازگی در قلعه گنج کلاس تکیه‌اندو برپا شده است.

با وجود بیکاری پدر، پرداخت هزینه ۳۰ هزار تومانی کلاس‌ها برای تارا کار ساده‌ای نبود و قرار شد کلاس تکیه‌اندو فقط دل خوشی سه ماه تابستان باشد اما علاقه‌اش باعث شد بعد از تابستان هم ورزش را ادامه دهد. او می‌گوید: «پدرم تمام تلاشش را کرد و چند ماه با هر زور و زحمتی که بود پول کلاس‌ها را پرداخت کرد، ولی فشار بی‌کاری و هزینه‌های

خانه اجازه نمی‌داد تا تمرین‌های بعدی ثبت‌نام کنم و همین باعث شد تا چند ماه تکیه‌اندو را کنار بگذارم اما مری وقتی فهمید به خاطر هزینه‌ها سر کلاس حاضر نمی‌شوم به پدرم گفت نصف شهریه را پرداخت کنیم اما من تکیه‌اندو کنار نگذارم.»

بی‌پولی بهانه خوبی برای کنار گذاشتن تنها دل‌خوشی‌اش نبود. تارا روز و شب به پدرش اصرار کرد تا با لاله‌ها پدر راضی شد بعد از تابستان هم او را ثبت‌نام کند. از آن طرف مری تارا هم هفته‌ای سه بار تارا را با خود می‌برد و برمی‌گرداند تا بهانه‌ای برای خانه ماندن تارا وجود نداشته باشد.

روز‌ها گذشت و عشق تارا به تکیه‌اندو هر روز بیشتر می‌شد. اتاق تمرین روزانه تارا انباری کوچک خانه بود و یک گونی که لباس‌هایش را درونش می‌ریخت، گونی را از سقف آویزان می‌کرد و چند ساعت با آن مشغول می‌شد. تمرین‌های تارا ادامه داشت تا اولین مسابقه‌اش؛ آن روز تارا با کمربند زرد به میدان مسابقه رفت و اولین مبارزه‌اش را با تبه‌سوم استان تمام کرد. بعد از آن بخت یار تارا شد و تمام مسابقات را طلا گرفت.

خودش می‌گوید این مدال‌ها برایش اهمیت دارد اما روی اصلی‌اش المپیک است. چشم‌اندش وقتی از آرزوهایش حرف می‌زند در خشان می‌شود؛ حالت نگاه و لحن صدایش تغییر می‌کند و خودش را یک دختر بلندپرواز می‌نامد. «من دختر بلندپروازی هستم و همیشه فکرهای بزرگی دارم. فکر می‌کنم در قلعه گنج راه برای پیشرفت باز نیست. دوستانم در مدرسه نگاه خوبی به ورزش حرفه‌ای یک دختر ندارند و منم تبه‌من می‌گویند تکیه‌اندو را کنار بگذارم، اما من باید بالا بروم؛ همه دنیا باید من را بشناسند و می‌دانم که آن روز می‌رسد.»

سایه‌یکی دیگر از دختران ورزشکار و مستعد قلعه گنج است که از ۱۲ سالگی ورزش را شروع کرد و حالا ۳ سال می‌شود که کاراته کار می‌کند. سایه‌نیز از دختران

با بچه‌ها که صحبت می‌کردم متوجه شدم تا امروز هیچ هدیه یا پاداشی برای مدال‌ها و پیروزی در مسابقات دریافت نکرده‌اند و همین باعث می‌شود تا انگیزه لازم را از دست بدهند. سایه با اشاره به همین موضوع می‌گوید: «چند بار شده که پدرم بگوید چرا هیچ کس هدیه‌ای به تو نمی‌دهد و برای هیچ و بوج ورزش می‌کنی؛ اما من تمام عشقم کاراته است و برای جایزه تلاش نمی‌کنم.»

موفقیت در منطقه محروم لذت‌بخش‌تر است

در سراز ۸ سالگی کاراته‌بازی می‌کند والان دو سال است که هفته‌ای سه بار تمرین می‌کند. قد و قواره ریزش باعث می‌شود سنش کمتر به نظر بیاید. او هم مثل سایه شرایط مالی خوبی دارد و حمایت‌های خانواده باعث شده تا بتواند در کاراته موفقیت‌های زیادی کسب کند. او در این دو سال توانسته است تعداد خود را نشان دهد و مقام‌های خوبی کسب کند از جمله ۲ مقام اول بین‌المللی و ۶ مقام کشوری.

پدر در ساروز شکار است و خانواده‌ها تلاش می‌برای پیشرفتش می‌کنند از درسا هم مثل بقیه پرسیدم از اینکه در قلعه گنج زندگی می‌کند راضی است یا فکر می‌کند زندگی در این منطقه سدی برای موفقیتش محسوب می‌شود؟ در سا ما دوست داشت در همین قلعه گنج بماند؛ به عقیده او اینجا شهرش است و باید از همین جابه‌دنبال موفقیت و پیروزی برود چرا که پیشرفت در منطقه‌ای دور افتاده بیشتر مزه می‌دهد.

نبودن دود؛ اصلی‌ترین مشکل ورزش قلعه گنج

همان‌طور که تا حالا متوجه شده‌اید قلعه گنج یکی از مناطق محروم ایران به حساب می‌آید. شرایط مالی بیشتر بچه‌ها آن قدر خوب نیست که کفایت زندگی روزمره را بدهد چه برسد به اینکه بخواهند ورزشی را هم به‌صورت حرفه‌ای دنبال کنند. باین حال دختران ورزشکار تلاش می‌کنند از هر طریقی که شده شهریه کلاس‌ها را تأمین کنند چرا که به قول خودشان ورزش تنها سرگرمی آن‌ها به حساب می‌آید. یکی از موضوعاتی که در همه جای دنیا باب شده حمایت‌های مالی از ورزشکاران است. فرد یا افرادی قبول می‌کنند تا تمام هزینه‌های یک ورزشکار مستعد را پرداخت کنند تا بتواند به موفقیت



موفقیت دختران رزمی کار قلعه گنج در حالی است که تا سه سال قبل جز فوتبال و والیبال آن هم برای مردان هیچ ورزش دیگری در آن وجود نداشت، اما با آمدن دختران حالا چند رشته رزمی در این شهرستان شناخته شده‌اند

برسد. در این منطقه اما جای خالی حامی کاملاً احساس می‌شود. طی صحبت‌هایی که با محمد حاج حسینی، رئیس اداره ورزش و جوانان قلعه گنج در رابطه با حامی مالی بچه‌ها داشتم متوجه شدم در این شهرستان چنین چیزی وجود ندارد. برای مثال در مورد تارا گفته شد باید به درجه‌ای برسد و بعد از آن حامی مالی هزینه‌های او را تقبل می‌کند؛ اما اینکه قلعه گنج در منطقه محروم واقع شده هم در جذب حامی بی‌تأثیر نیست. محرومیت مالی، محرمیت دیدگاه و فرهنگ هم با خود می‌آورد. در اینجا چون هیچ وقت ورزش امری جدی نبوده پس نگاه جدی هم به آن نشده و بیشتر به چشم سرگرمی دیده شده تا یک فعالیت حرفه‌ای؛ بنابراین دور از ذهن نیست کسی روی آن سرمایه‌گذاری نکند.

به گفته حاج حسینی موفقیت دختران رزمی کار در حالی است که تا سه سال قبل در این شهرستان جز فوتبال و والیبال آن هم برای مردان هیچ ورزش دیگری وجود نداشت. اما با آمدن دختران حالا چند رشته رزمی قلعه گنج شناخته شده‌اند.

بر اساس صحبت‌های حاج حسینی دو سالی می‌شود که با وجود تمام سختی‌ها و تخصیص ندادن بودجه کافی به ورزش قلعه گنج اما جوانان توانسته‌اند در چندین رشته حرفه‌ای برای گفتن داشته باشند و در لیگ‌های استانی مقام‌های خوبی کسب کنند. در این دو سال ورزشکاران قلعه گنجی توانسته‌اند به اردوهای انتخابی تیم ملی هم راه پیدا کنند و سال گذشته دو نفر به اردوی تیم ملی وارد شوند. شوربختانه امسال مشکلات مالی مانع این شد که بچه‌ها بتوانند به اردوهای تیم ملی برسند. مسائل مالی تا حدی زیاد است که در برخی رشته‌ها مری نتوانسته کنار ورزشکار حضور داشته باشد و همین باعث شد تا روحیه بچه‌ها خراب شود. باین همه انتظار این می‌رود که نهادهای ورزشی و دولت با اختصاص بودجه به شهرهای کوچک و مناطقی که از محرومیت بالاتری برخوردار هستند حمایت کنند چرا که در این مناطق هر چه به ورزش آن‌ها توجه بیشتری شود از آسیب‌های اجتماعی که به واسطه محیط ایجاد می‌شود کاسته خواهد شد و جوانان مستعد شناسایی می‌شوند.

اما به آن سامانی داده نشده است.

از این رو امیدواریم که مردم در کنار کتاب مقدس قرآن و کتاب حافظ، کتاب قانون مدنی و اساسی را در خانه‌های خود داشته باشند و هر از چند گاهی آن را ورق بزنند تا به این طریق حقوق شهروندان ضایع نشود، چرا که اگر توجه به قوانین و مقررات وجود داشته باشد «به زیستن» را می‌توانیم در جامعه ایجاد کنیم در غیر این صورت شاهد که یکی از علل آن به ندانستن و عدم اطلاع شهروندان از قوانین و مقررات برمی‌گردد. گام اصلی که نهادها و دولت‌ها باید در این زمینه بردارند این است که شهروندان را به حال خود رها نکنند، چرا که با آموزش قوانین و مقررات می‌توانیم جامعه‌ای سالم داشته باشیم.

یکی از ویژگی‌های اصلی جامعه سالم آگاهی، حق دانستن و طریق یادگیری دانستن و قوانینی از جمله حقوق شهروندی جوامع انسانی است که بسیار در داشتن جامعه پویا کمک کننده است.

از گوشه و کنار

سختگوی دولت:

نباید به افراد ترنسکوال نگاه منفی داشته باشیم



سختگوی دولت با بیان اینکه سازمان‌های مردمنهاد، مداخلی‌های اجتماعی هستند، گفت: نباید به افراد ترنسکوال نگاه منفی داشته باشیم. به گزارش خبرنگار ایلنا، علی ربیعی در حاشیه بازدید از چهار مرکز جمعیت طلوع بی‌نشان‌ها که از افراد بیپروا یافته از اعتیاد و کارتن خوابی نگهداری می‌کنند، درباره مرکز ترنسکوال گفت: تلاش می‌کنیم در مدت زمان کوتاهی محلی برای سرای میلاد که مخصوص افراد ترنسکوال است، آماده شود. سختگوی دولت تصریح کرد: مشکل این افراد نیز یک موضوع جدی است. ما نباید با همه افرادی که می‌خواهند تغییر جنسیت بدهند با برچسب و انگ برخورد کنیم بخشی از این افراد مشکلاشت یک بیماری است و باید به این موضوع به عنوان یک بیماری نگاه کنیم و از آن دید منفی که ممکن است برخی به افراد ترنسکوال دارند نباید داشته باشیم البته ناهنجاری ویی هنجاری در همه حوزه‌ها هست. در این حوزه هم ممکن است گاهی ناهنجاری رخ دهد، اما بنای ما این است که به معالجه این افراد کمک شود. وی با اشاره به کمک دولت برای درمان این افراد خاطرنشان کرد: ما در سال‌های گذشته سعی کردیم هزینه جراحی و درمان افرادی که تشخیص دادیم بیمار هستند توسط دولت و از طرف سازمان بهزیستی پرداخت شود و به جراحی افرادی که تشخیص داده شد باید حتما تغییر جنسیت بدهند، کمک کنیم.



وزیر بهداشت:

هیچ موردی از ابتلا به

کرونا ویروس در کشور نداریم

وزیر بهداشت گفت: ویروس کرونا ی جدید، مردم مناطق زیادی از دنیا را دچار نگرانی کرده و خوشبختانه با لطف خدا، هوشمندی بالای مردم ایران و مراقبت شبانه‌روزی همکاران ما در وزارت بهداشت در مبادی ورودی و استان‌های کشور، تا این لحظه هیچ موردی از ابتلا به کرونا ویروس جدید در کشور نداشته‌ایم. به گزارش ایلنا، سعید نمکی در حاشیه آیین افتتاح پروژه‌های بهداشتی و درمانی استان بوشهر در شهرستان جهم، افزود: تعدادی از دانشجویان ایرانی که در شهر ووهان چین گرفتار بودند و مصیبتی برای ما و خانواده‌های‌شان بود را به کشور بازگردانیدیم و آنها تحت قرنطینه و مراقبت‌های لازم هستند.

تمام آزمایش‌های اولیه از این دانشجویان نیز حاکی از عدم آلودگی آنها به کرونا ویروس جدید است و این آزمایش‌ها هر روز تکرار می‌شود تا بتوانیم در پایان ۱۴ روز، آنها را صحیح و سالم به خانواده‌هایشان تحویل دهیم. وی افزود: دیروز نماینده سازمان جهانی بهداشت در ایران از محل قرنطینه دانشجویان ایرانی بازگشته از چین بازدید داشت و اقرار کرد که هم‌نظام بهداشتی ایران، بسیار مقتدر و مسلط است و هم اینکه تا این لحظه، هیچ موردی از کرونا ویروس جدید در ایران گزارش نشده و وی روش قرنطینه و مراقبت از دانشجویان در ایران راه‌شدت تأیید کرد.



بازداشت مدیر یک هتل و چند سفره‌خانه معروف



مدیر یک هتل معروف و چند سفره‌خانه‌بازستور دادرای جرایم امنیت اخلاقی تهران بازداشت شدند. به گزارش تسنیم، مدیر هتل فردوسی و مدیر داخلی رستوران این هتل، به واسطه بی‌مبالایی در جریان اختلاط و رقص زن و مرد در این مکان، بازداشت شدند. همچنین مدیران و خوانندگان دو سفره‌خانه شیبستان و دیوان به دلایل فوق و هنجارشکنی دستگیر شدند. انتشار فیلم‌هایی در فضای مجازی که نشان می‌داد عوامل رستوران ترمه هتل فردوسی و سفره‌خانه‌های شیبستان و دیوان با فراهم آوردن فضای مغایر با شئون دینی، باعث اهانت به قوانین و حدود اسلامی شده‌اند، برای مدیران این اماکن در دسر ساز شد.

حقوق شهروندی در مه و دود

عبدالصمد خرماشاهی، حقوق‌دان

شهروند به فردی گفته می‌شود که دارای تعلق خاطر و احساس مسئولیت نسبت به جامعه خود است. به عبارت دیگر شهروند یک عنصر فعال و پویای انسانی در ارتباط با جامعه است که از احساس مسئولیت، حق و تکلیف برخوردار است.

در اجتماع انسانی وقتی نظم در قالب حق و تکلیف برای همگان رعایت شود، مجموعه‌ای از قوانین در قالب حقوق شهروندی تجلی پیدای می‌کند که در آن شهروندان از احترام و عزت و کرامت انسانی بر خوردار بوده و جایگاه آن‌ها رفیع و عالی خواهد بود. تمام شهروندان ذی‌حق

هستند و فرقی که شهروند با رعیت دارد این است که رعیت در جوامع ملوک‌طوایفی فاقد هر نوع حقی است و درواقع رعیت و کالای یکی هستند، اما در جامعه شهروندمدار انسان دارای حق و تکلیف است. در کشورهای خاص استبدادی مثل کره شمالی شهروندان باید الزاماً از تمام تصمیمات تبعیت کنند، یعنی شهروندان مانند موجودات زنده‌ای هستند که فاقد حق هستند، در حالی که شهروند به کسی گفته می‌شود که ذی‌حق است و این حق در روابط سه‌گانه مورد شناسایی، تکریم و احترام قرار می‌گیرد. اکنون این بحث مطرح است که چقدر می‌توان نسبت به ترویج، رشد و توسعه حقوق شهروندی در جامعه گام برداشت؟ مهم‌ترین عنصری که برای شهروند در یک جامعه